اعتقاد نامه

وست مینستر

ترجمه

ط . میکائلیان

انتشارات نور جهان

فهرست مطالب

فصل اول

کتاب مقدس

۱ ــ با وجودی که نور عقل طبیعی انسان و اعمال خدا در آفرینش و در اداره کائنات بقدری نیکوئی و حکمت و قدرت الهی را آشکار میسازد که انسان در مورد ایمان به وجود خدا بهانه ای نداشته باشد، ولی اینها به تنهائی برای یافتن شناسائی خدا و اراده او نبوغی که برای تحصیل نجات لازم میباشد کافی نیست. لهذا خدا را پسند آمد که در اوقات متعدد و به اقسام مختلف خود را ظاهر سازد و اراده خود را در این مورد به کلیسایش اعلام دارد و بعداً بمنظور محافظت و انتشار حقیقت بنحو مطلوب و همچنین برای استحکام و تسلی بیشتر کلیسا در مقابل مفاسد جسمانی و بدخواهی شیطان، همان اراده خود را کلاً بنوشتن بسپارد. وجود نوشتجات مقدس بطور قطع ضروری است زیرا آن طریقهای سابق که خدا اراده خود را بوسیله آنها به قوم خود مکشوف فرمود در زمان حاضر موقوف شده است.

۲ ــ نوشتجات مقدس، یعنی کلام مکتوب خدا، عبارتست از همه کتابهای عهد عتیق و عهد جدید که اسامی آنها بقرار زیر است :

فهرست عهد عتیق

کتاب پیدایش، کتاب خروج، کتاب لاویان، کتاب اعداد، کتاب تثنیه، کتاب یوشع، کتاب داوران، کتاب روت، کتاب کتاب اول سموئیل ، کتاب دوم سموئیل، کتاب اول پادشاهان، کتاب دوم پادشاهان، کتاب اول تواریخ ایام، کتاب دوم تواریخ ایام ، کتاب عزرا، کتاب نحمیا، کتاب استر، کتاب ایوب، کتاب مزامیر، کتاب امثال سلیمان، کتاب جامعه، کتاب عزل عزلها، کتاب اشعیاء، کتاب ارمیاء، کتاب مراثی ارمیاء، کتاب حزقیال، کتاب دانیال، کتاب هوشع، کتاب یوئیل،

کتاب عاموس، کتاب عوبدیاء کتاب یونس، کتاب میکاه، کتاب ناحوم، کتاب حبقوق، کتاب صفنیاء، کتاب حجی، کتاب زکریا، کتاب ملاکی،

فهرست عهد جدید

کتاب انجیل متی، کتاب انجیل مرقس، کتاب انجیل لوقا، کتاب انجیل یوحنا، کتاب اعمال رسولان، نامه پولس به رومیان، نامه اول پولس به قرنتیان، نامه دوم پولس به قرنتیان، نامه پولس به غلاطیان، نامه پولس به افسسیان، نامه پولس به فیلیپیان، نامه پولس به کولسیان، نامه اول پولس به تسالونیکیان، نامه دوم پولس به تسالونیکیان، نامه اول پولس به تیموتاوس، نامه دوم پولس به تیموتاوس، نامه پولس به تیطس، نامه پولس به فلیمون، نامه به عبرانیان، نامه یعقوب، نامه اول پطرس، نامه دوم پطرس، نامه اول یوحنا، نامه دوم یوحنا، نامه سوم یوحنا، نامه یهودا، مکاشفه یوحنا

همه این نوشتجات مقدس با الهام الهی عطا شده اند و پایه و قانون ایمان و عمل هستند.

۳ ــ کتابهائی که بنام « اپا کریفا » (یعنی مخفی یا سری) معروف هستند، چون دارای الهام الهی نمی باشند، جزء نوشتجات مقدس رسمی محسوب نمیگردند و بهمین دلیل در کلیسای خدا اعتبار رسمی ندارند بلکه فقط مثل سایر نوشتجات انسانی بکار برده میشوند.

۴ ــ صحت و اعتبار نوشتجات مقدس، که بر اساس آن باید به نوشتجات مقدس ایمان آورد و آنها را اطاعت نمود، برپایه شهادت هیچ انسان یا هیچ کلیسائی قرار ندارد بلکه کاملاً از خداست که او خودش راستی و بوجود آورنده نوشتجات مقدس میباشد. لهذا از این جهت که کلام خداست باید بعنوان جقیقت پذیرفته شود.

۵ ــ توسط شهادت کلیسا ممکن است تشویق و ترغیب شویم که نوشتجات مقدس را بسیار محترم بدانیم. بعلاوه مطالب آسمانی و تأثیر تعالیم آن و فصاحت سبک نگارش و هماهنگی تمام قسمتها با یکدیگر و هدف کلی آن که عبارتست از جلال خدا و مکاشفه کاملش در خصوص یگانه راه نجات انسان و همچنین سایر خصوصیات عالی و بی

مثالش و کمال کاملش همه بطور قطع ثابت میکنند که کتاب مقدس کلام خداست اما با وجود این، یقین کامل و اطمینان خاطر ما در خصوص حقیقت مصوم از خطا بودن و اعتبار الهی آن بر اثر عمل باطنی روح القدس حاصل میشود که توسط کلام خدا و با آن کلام در دلهای ما شهادت میدهد.

۶ ــ اراده کامل خدا، در خصوص تمام چیزهائی که برای جلال خودش و برای نجات و ایمان و عمل انسان لازم است، در نوشتجات مقدس یا صریحاً بیان شده است و یا بوسیله استنتاج صحیح و ضروری از آن نوشتجات حاصل میشود و هرگز، خواه بواسطه مکاشفات تازه روح القدس و یا توسط روایات و سنتهای انسانی. نباید چیزی بر آنها افزوده شود. با وجود این قبول داریم که نورانی شدن باطن شخص توسط روح خدا، برای یافتن معرفت نجاتبخش در مورد آنچه در کلام مکشوف شده است، لازم میباشد و بعلاوه قبول میکنیم که برای عبادت خدا و ادراه کلیسا مقرراتی وجود دارد که در میان مردم و اجتماعات عموماً مورد قبول میباشد و لازم است مطابق اصول عقل طبیعی و تدابیر مسیحی و بر طبق قوانین کلی کلام خدا که باید همیشه مورد اطاعت قرار گیرد رعایت شود.

۷ ــ مفهوم تمام قسمتهای کتاب مقدس بطور یکسان روشن نیست و همچنین برای تمام مردم بطور یکسان آشکار نمی باشد ولی آنچه لازم است انسان برای نجات بداند و ایمان بیاورد و عملی سازد در قسمتهای مختلف کتاب مقدس بقدری روشن و آشکار بیان گردیده که نه فقط علماء و. بس بلکه اشخاص بی علم هم بوسیله استفاده مناسب از وسائل معمولی میتواند بفهم کافی آنها برسند.

۸ ــ عهد عتیق بزبان عبری (که زبان اصلی قوم خدا در ایام قدیم بود) و عهد جدید بزبان یونانی (که در ایام نوشته شدن عهد جدید در میان غالب اقوام رواج داشت) مستقیماً توسط خدا الهام شده و در تمام ادوار بوسیله محافظت و تدبیر مخصوص الهی محفوظ مانده است و بهمین دلیل دارای صحت و اعتبار میباشد. پس برای حل و فصل هر نوع اختلاف دینی، کلیسا باید بعنوان مرجع نهائی به آنها رجوع نماید. ولی چون تمام قوم خدا، که به کلام مقدس او علاقه دارند و به آنها دستور داده شده است که آنرا با خدا ترسی بخوانند و تفتیش نمایند، با این زبانهای اصلی آشنائی ندارند بهمین دلیل این نوشتجات مقدس باید بزبان معمولی اقوامی که کتابمقدس به آنها میرسد

ترجمه شود تا آنکه کلام خدا در همه آنها بفراوانی ساکن گردد و آنها بتوانند خدا را بطور مقبول عبادت نمایند و به صبر و تسلی کلام خدا امیدوار باشند.

۹ ـــ قانون مصون از خطا برای تفسیر کتابمقدس، خود کتابمقدس است و بهمین دلیل وقتی در مورد مفهوم حقیقی و کامل قسمتی از کلام خدا (که همیشه دارای یک معنی اصلی است نه معانی متعدد) سؤالی پیش میاید، برای یافتن جواب باید سایر قسمتهائی که موضوع را آشکارتر بیان کرده اند مورد بررسی و تفتیش و مطالعه قرار گیرد.

۱۰ ـــ عالیترین قاضی، که همه اختلافات دینی باید توسط او حل و فصل گردد و همه مصوبات شوراهای کلیسائی و نظرات نویسندگان قدیم و تعالیم انسانها و تمام عقاید مردم و نظرات شخصی باید بوسیله او آزموده شود و فتوای او در ما آرامش بوجود میاورد، فقط روح القدس است که در نوشتجات مقدس سخن میگوید.

فصل دوم

خدا و تثلیث اقدس

۱ ــ فقط یک خدای زنده و حقیقی وجود دارد که در وجود و کمال نامحدود بوده و مقدسترین روح میباشد، نامرئی و بدون بدن و اعضا است و قبول تأثیر نمیکند و بی تبدیل و تغییر و بی حد و سرمدی و خارج از ادراک و قادر علی الاطلاق و حکیم و قدوس و آزاد و مختار مطلق است و همه چیزها را مطابق مصلحت و اراده تغییر ناپذیر و عادله خود برای جلال خودش انجام میدهد. او پر از محبت و لطف و مهربانی و حلم بوده و لبریز از نیکوئی و حقیقت و عفو کننده تقصیر و عصیان و گناه است و کسانی را که با جدیت در جستجوی وی هستند پاداش میدهد. با وجود همه این صفات، در تمام داوریهای خود بسیار عادل و مهیب است و از هر نوع گناه نفرت دارد و مجرمان را مبرا نخواهد شمرد.

۲ ــ خدا هر نوع حیات و جلال و نیکوئی و برکت را ذاتاً در خود دارا میباشد و بخودی خود کمال کفایت را دارد و بهیچ یک از مخلوقاتش که خلق فرموده است محتاج نیست و از آنها جلال حاصل نمیکند بلکه جلال خود را در آنها و بتوسط آنها و بسوی آنها و بر آنها منکشف و آشکار میسازد. او یگانه سرچشمه همه موجودات است و همه چیز از او و با او و بخاطر او وجود دارد و او بر آنها دارای فرمانروائی مطلق است تا با آنها و از برای آنها و با آنها هرچه او را پسند آید بعمل آورد. در نظر او همه چیز هویدا و آشکار است و دانش او بیحد و مصون از خطا و مستقل از مخلوقات میباشد بطوریکه هیچ چیز در نزد او نامعلوم و نامشخص نیست. او در تمام نظرات و اعمال و احکامش قدوسیت کامل دارد و شایسته است که از فرشتگان و انسانها و همه مخلوقات دیگر هر قدر عبادت و خدمت و اطاعت که او را پسند آید انتظار داشته باشد.

۳ ــ در وحدت الوهیت سه اقنوم وجود دارد که دارای یک ذات و قدرت و ابدیت می باشند یعنی خدای پدر و خدای پسر و خدای روح القدس. پدر از هیچکس سرچشمه نمیگیرد و نه مولود گردیده و نه صادر شده است، پسر از ازل از پدر مولود شده و روح القدس از ازل از پدر و از پسر صادر گردیده است.

فصل سوم

تقدیر ازلی خدا

۱ ــ خدا از ازل از طریق مصلحت حکیمانه و قصد کاملاً مقدس خود، بطور آزاد و غیر قابل تغییر، هرچیزی را که بوقوع می پیوندد مقدر فرموده ولی این امر را طوری انجام داده که خودش بوجود آورنده گناه نیست و تجاوزی به آزادی اراده مخلوقات نکرده و نیز آزادی و اختیار در مورد علل ثانویه را از انسان سلب ننموده بلکه برقرار داشته است.

۲ ــ با وجودی که خدا میداند در تمام شرائط امکان دارد چه چیزی بوقوع بپیوندد و یا بوقوع خواهد پیوست، فقط باین دلیل که آینده را می بیند و از شرائط آگاه میباشد، چیزی را مقدر نفرموده است.

۳ ــ توسط تقدیر الهی، بمنظور آشکار ساختن جلال خدا، بعضی از انسانها و بعضی از فرشتگان برای حیات ابدی و بعضی دیگر برای هلاکت ابدی مقرر شده اند.

۴ ــ این فرشتگان و انسانها، که بشرح فوق از قبل مقدر و مقرر شده اند، بطرز مخصوص و غیر قابل تغییری تعیین گردیده اند و تعداد آنان بقدری قطعی و مشخص است که نمی توان بر آن افزود و یا از آن کم کرد.

۵ ــ انسانهائی را که برای حیات مقرر شده اند، خدا پیش از بنیاد عالم بر وفق مقصود ازلی و بی تبدلیش و مطابق مصلحت سری و اراده نیکوی خود برای جلال ابدی در مسیح انتخاب نموده است و این انتخاب فقط بسبب فیض مجانی و محبت او میباشد و ربطی به پیش بینی در مورد ایمان و اعمال حسنه و یا مداومت آنها در اینها ندارد و یا چیز دیگری در مخلوقات بمنزله شرطی یا سببی که محرک او در این مورد باشد نبوده است همه برای ستایش فیض پرجلال او میباشد.

۶ ــ همانطور که خدا برگزیدگان را برای جلال مقرر فرموده است، بهمانطریق بتوسط مقصود ازلی و اراده کاملاً آزاد خود، همه وسائل را برای تحصیل آن مقصود از قبل تعیین نموده است. لهذا برگزیدگان، که در آدم در گناه سقوط

کردند، بوسیله مسیح رستگار و برای ایمان در مسیح توسط روحش که در زمان مناسب فاعل میباشد بطور ثمربخش دعوت میگردند و عادل شمرده شده و فرزند خواندگی را یافته و تقدیس کرده میشوند و بقدرت الهی بوسیله ایمان برای نجات محافظت میگردند. هیچ شخص دیگری، غیر از برگزیدگان، بوسیله مسیح خریداری و رستگار نمیگردد و دعوت و عادل و فرزند خوانده و مقدس نمیشود و نجات نمی یابد.

۷ ــ خدا طبق صلاح و تمایل غیر قابل درک خودش، که بوسیله آن رحمت خود را بهر که بخواهد ارزانی میفرماید و از هرکس مایل باشد باز میدارد، بمنظور روشن ساختن شکوه قدرت مطلق خود بر مخلوقات رضا بدین داد که از باقی انسانها بگذرد و آنها را بعلت گناه ایشان برای بیحرمتی و غضب مقرر فرماید و این برای تمجید عدالت پرجلال اوست.

۸ ــ تعلیم در مورد تقدیر الهی از اسرار عمیقی است که باید با هشیاری و احتیاط مخصوص درباره آن بحث کرد تا آنکه مردم به اراده خدا که در کلامش مکشوف است متوجه شده و مطیع آن گردند و بتوانند بوسیله اطمینان در مورد دعوت ثمربخش خودشان درباره برگزیدگی ابدی خود اطمینان حاصل نمایند. پس از این تعلیم باعث تمجید و احترام و تکریم خدا شده و در عین حال باعث فروتنی و تلاش و تسلی فراوان همه کسانی خواهد بود که انجیل را صمیمانه اطاعت مینمایند.

فصل چهارم

آفرینش

۱ ــ خدای پدر و پسر و روح القدس را پسند آمد که برای ابراز شکوه قدرت و حکمت و نیکوئی ازلی خود در ابتدا عالم را و همه چیزهائی را که در آن وجود دارد، اعم از مرئی و غیر مرئی، در مدت شش روز از نیستی به هستی آورد و خلق فرماید و همه بسیار نیکو بود.

۲ ــ بعد از آنکه خدا همه مخلوقات دیگر را آفرید، انسان را هم مذکر و مونث با روحی ابدی که دارای شعور و دانش و عدالت و قدوسیت حقیقی بود مطابق صورت خود خلق و شریعت خود را بر دلهای آنها مرقوم فرمود و قدرت اطاعت کامل از آن را به آنان عطا کرد ولی آنها در عین حال اجازه خطا ورزیدن داشتند و به آزادی اراده خودشان که قابل تغییر بود واگذار شدند. علاوه بر شریعتی که در قلبشان مرقوم بود، به آنها صریحاً دستور داده شد که از درخت معرفت نیک و بد نخورند و تا وقتی از این دستور اطاعت کردند در مصاحبت با خدا خوشحال بودند و بر سایر مخلوقات تسلط داشتند.

فصل پنجم

تدبیر الهی

۱ ــ خدا، که خالق عظیم همه چیز است، همه مخلوقات و تمام اعمال و اشیاء را اعم از کوچک و بزرگ با تدبیر کاملاً حکیمانه و مقدس خود مطابق پیشدانی مصون از خطایش و بر طبق صلاح و مصلحت و میل مستقل و تغییر ناپذیر خود برای تمجید شکوه حکمت و قدرت و عدالت و نیکوئی و رحمت خود محافظت و رهبری و مرتب میفرماید و اداره میکند.

۲ ــ با وجودی که از نظر پیشدانی و تدبیر خدا، که خودش علت العلل یا عدالت اول میباشد، همه چیز بدون تغییر و اشتباه عملی میشود ولی خدا بوسیله همین تدبیر چنین مقرر فرموده است که این امور بر اساس مفهوم علل ثانویه یا بطور ضروری یا آزاد و یا مشروط اتفاق افتند.

۳ ــ خدا برای اجرای مشیت عادی خود وسائلی بکار میبرد ولی آزاد است که طبق میل خود بدون این وسائل و برتر از آنها و بر خلاف آنها نیز عمل نماید.

۴ ــ قدرت مطلق و حکمت غیر قابل بررسی و نیکوئی بیحد خدا در تدبیر الهی وی بقدری آشکار است که این تدبیر حتی به گناه اولیه آدم و بهمه گناهان فرشتگان و انسانها هم مربوط میشود و آنهم نه بصورت اجازه ساده و بس بلکه بطوری که این اجازه محدود به حدودی حکیمانه و نیرومند میباشد و همچنین به ترتیب و کنترل آنها مربوط است و از طریق نقشه های متعدد خدا برای انجام مقاصد مقدسش بکار میرود ولی این عمل طوری انجام میشود که گناه بودن این گناهان فقط از مخلوقات است نه از خدا که او کاملاً قدوس و عادل است و هرگز بوجود آورنده یا تأئید کننده گناه نیست و نمیتواند باشد.

۵ ــ خدا، که کاملاً حکیم و عادل و مهربان است، غالباً فرزندان خود را مدتی در وسوسه های متعدد و در فساد دلهای خودشان رها میسازد تا آنها را برای گناهان سابقشان تنبیه و یا قدرت مخفی فساد و فریبکاری دلهایشان را

بر آنها روشن سازد تا آنکه آنها فروتن شوند و تا آنها را بطور صمیمانه تر و دائمی تری در مورد تأمین احتیاجاتشان به خودش متکی سازد و تا آنها را در امتحانات آینده در مورد گناه بیدارتر و هشیارتر گرداند و بعلاوه این طرز رفتار خدا دارا مقاصد عادلانه و مقدس دیگری هم میباشد.

۶ ــ در مورد انسانهای شریر و خدانشناس، که خدا بعنوان داور عادل بعلت گناهان سابقشان آنها را کور و سنگدل میگرداند، خدا نه فقط فیض خود را (که ممکن بود این فیض عقل ایشان را منور گرداند و بر دلهایشان اثر کند) دریغ میفرماید بلکه بعضی از اوقات عطایائی را که داشته اند نیز از آنها پس میگیرد و آنها را در مقابل چیزهائی قرار میدهد که فسادشان همان چیزها را سبب گناه میگرداند. علاوه بر این، آنها را به شهوات خودشان و وسوسه های این جهان و قوت شیطان میسپارد و بدینطریق نتیجه این میشود که، بوسیله همان وسائلی که خدا برای نرم کردن دل سایرین بکار میبرد، آنها خودشان را سنگدل میسازند.

۷ ــ همانطوریکه تدبیر الهی بطور عام همه مخلوقات را شامل میشود بهمین طریق بطور مخصوصی از کلیسای خود توجه میکند و همه چیزها را برای خیریت آن ترتیب میدهد.

فصل ششم

سقوط انسان و گناه و مجازات آن

۱ ــ والدین نخستین ما بر اثر حیله و وسوسه شیطان فریب خوردند و با خوردن میوه ممنوعه گناه ورزیدند. خدا مطابق مصلحت حکیمانه و مقدس خود رضا بدین داد که آنها را واگذارد که مرتکب این گناه شوند زیرا قصد داشت که از آن برای جلال خود استفاده نماید.

۲ ــ بر اثر این گناه، والدین نخستین ما از نیکوئی اصلی خود و از مصاحبت با خدا محروم شدند و بدینطریق در گناه مردند و تمام نیروها و قسمتهای روح و بدنشان کاملاً ناپاک شد.

۳ ــ چون آنها منشاء و ریشه همه مردم بودند، جرم این گناه به حساب فرزندانشان هم محسوب شد و این مردن و گناه و ذات فاسد بتمام فرزندان آنها که بوسیله تولد طبیعی از آنها بوجود آمدند سرایت کرد.

۴ ــ تمام گناهانی که مرتکب میشویم از این گناه اصلی سرچشمه گرفته است و بعلت همین فساد اصلی میباشد که ما نسبت بتمام نیکوئی ها اصولاً بیعلاقه و ناتوان و مخالف شده و بطرف همه بدیها مایل گشته ایم.

۵ ــ این فساد ذات انسان در کسانیکه تولد تازه می یابند در طول این عمر باقی میماند و با وجودی که توسط مسیح بخشیده و نابود میشود ولی هم خود این فساد ذات و هم تمام امیال مربوط به آن در واقع گناه است.

۶ ــ هر گناه خواه اصلی و خواه عملی، چون تجاوز از شریعت عادله خدا و مخالف آن شریعت میباشد، گناهکار را ذاتاً مجرم میسازد و بهمین دلیل دچار غضب خدا و لعنت شریعت میگرداند و بدینطریق او را تابع مرگ و تمام بدبختی های روحانی و جسمانی و ابدی مربوط به آن میسازد.

فصل هفتم

عهد خدا با انسان

۱ ــ فاصله بین خدا و مخلوق آنقدر زیاد است که با وجودی که مخلوقات عاقل مکلفند خدا را بعلت خالق بودنش اطاعت نمایند اما هرگز نمیتوانند از او متمتع شوند مگر بوسیله فروتنی داوطلبانه از طرف خدا و خدا رضا بدین داد که این فروتنی را بوسیله عهد ابراز نماید.

۲ ــ عهد اولی که با انسان منعقد گردید عهد اعمال بود که در آن به آدم و فرزندانش وعده حیات داده شد بشرطیکه شخصاً بطور کامل اطاعت نمایند.

۳ ــ انسان، بر اثر سقوط از حالت اولیه، دیگر قادر نبود بوسیله آن عهد دارای حیات شود. بهمین دلیل خدا را پسند آمد که عهد دوم را که معمولاً عهد فیض یا لطف خوانده میشود برقرار سازد و بوسیله آن حیات و نجات توسط مسیح را مجاناً به گناهکاران ارزانی فرمود و از آنها خواست به عیسی مسیح ایمان بیاورند تا نجات بیابند و به تمام کسانیکه برای حیات مقرر شده اند وعده فرمود روح القدس را عطا فرماید تا آنها را قادر و مایل به ایمان آوردن سازد.

۴ ــ این عهد فیض در کتابمقدس کراراً بعنوان عهد مورد اشاره قرار گرفته و مربوط است به مرگ عیسی مسیح صاحب عهد و به میراث ابدی و همه امور متعلق به آن.

۵ ــ طرز اجرای این عهد در زمان شریعت با طرز اجرای آن در زمان انجیل تفاوت داشت. در زمان شریعت توسط وعده ها و نبوت ها و قربانیها و ختنه و بره فصح و نشانه ها مراسم دیگری که به قوم یهود عطا شده بود اجرا میگردید که همه آنها به مسیح موعود اشاره میکرد و در آن موقع بوسیله کار روح القدس برای تعلیم و بنای برگزیدگان در ایمان به مسیح موعود کافی و مؤثر بود و ایمانداران بوسیله آنها آمرزش کامل گناهان و نجات ابدی را می یافتند و این عهد عتیق میخوانند.

۶ ــ در دوره انجیل، یعنی وقتی که مسیح که اصل است ظاهر شد، وسائل اجرای این عهد عبارتند از موعظه کلام و اجرای آئین های مقدس یعنی تعمید و عشاء ربانی و با وجودی که این آئین های مقدس از نظر تعداد کمتر است و با سادگی بیشتر و شکوه و جلال ظاهری کمتری اجرا میشود ولی بطور کاملتری دارای شهادت و اثر روحانی برای تمام ملل اعم از یهود و غیر یهود میباشد و این عهد جدید میخوانند. لهذا دو عهد فیض که ذاتاً با یکدیگر تفاوت داشته باشند وجود ندارد بلکه فقط یک عهد وجود دارد که در طرز اجراء متفاوت میباشد.

فصل هشتم

واسطه بودن مسیح

۱ ــ خدا را در اراده ابدیش چنین پسند آمد که خداوند عیسی یعنی پسر یگانه خود را بعنوان واسطه در میان خدا و انسان انتخاب و مقرر فرماید بطوریکه او پیامبر و کاهن و پادشاه و رأس و منجی کلیسای خود و وارث همه چیز و داور عالم باشد و خدا از ازل به مسیح قومی عطا فرمود که ذریت او باشد و توسط او در وقت معین خریداری و دعوت گردد و عادل شمرده و تقدیس کرده و پرجلال شود.

۲ ــ پسر خدا، که اقنوم دوم تثلیث اقدس است، چون خدای حقیقی و سرمدی و با پدر هم ذات و مساوی میباشد، وقتی زمان بکمال رسید طبیعت انسان را با همه صفات اصلی و ضعف معمولی آن بر خود گرفت ولی بدون گناه بود و بوسیله قدرت روح القدس در رحم مریم باکره قرار گرفت و از او متولد گردید بنحویکه دو جنبه کاملاً کامل و متمایز یعنی جنبه الهی و جنبه انسانی بطور جدا نشدنی در یک شخص جمع شد و آنهم بدون تبدیل یا آمیختگی و اغتشاش. آن شخص، خدای حقیقی و انسان حقیقی و در عین حال مسیح واحد میباشد که یگانه واسطه میان خدا و انسان است.

۳ ــ خداوند عیسی در جنبه انسانیش، که بشرح فوق با جنبه الهی یکی شد، با روح القدس بفراوانی تقدیس و مسح گردید و در خودش همه خزائن حکمت و معرفت را جمع داشت و پدر را پسند آمد که در عیسی کل کمال ساکن شود بطوریکه او مقدس و بی آزار و پاک و پر از لطف و راستی بوده و برای اجرای مأموریت خود بعنوان واسطه و ضامن بطور کامل آماده باشد. عیسی این مأموریت را برای خودش بوجود نیاورد بلکه از طرف پدر برای قبول آن دعوت شد و پدر تمام قدرت و داوری را به او سپرده و اجرای آن را به او محول نمود.

۴ ــ خداوند عیسی این مأموریت را رضایت کامل قبول فرمود و برای اجرای آن در زیر شریعت قرار گرفت و شریعت را بطور کامل اجرا نمود و عذابهای شدید در روح خود و دردهای بسیار سخت در بدن خود متحمل گردید و مصلوب شده جان داد و مدفون گردید و مدتی تحت تسلط مرگ قرار گرفت اما بدن او فسادی ندید روز سوم با همان بدنی

که در آن عذاب کشیده بود از مرگ برخاست و با همان بدن بآسمان صعود فرمود و در آنجا در دست راست پدر نشسته است و برای ایمانداران شفاعت میکند و در پایان جهان مراجعت خواهد کرد تا انسانها و فرشتگان را داوری فرماید.

۵ ــ خداوند عیسی بوسیله اطاعت کامل و قربانی نمودن خود، که توسط روح سرمدی یکبار به خدا تقدیم گردید، پدر را از نظر عدالت الهی کاملاً قانع ساخت و برای همه کسانیکه پدر به او عطا فرموده است نه فقط مصالحه و آشتی بلکه میراث ابدی در ملکوت آسمان فراهم فرمود.

۶ ــ با وجودی که کار نجات توسط مسیح فقط بعد از مجسمم شدنش عملاً انجام شد معهذا قدرت و تأثیر و فواید آن در تمام ادوار از بتدای عالم بتواتر به برگزیدگان رسید و این امر از طریق وعده های و نشانه ها و قربانی ها عملی گردید که در آنها مسیح، بعنوان نشانه ای از نسل زن که سر مار را خواهد کوبید و بعنوان بره خدا که از ابتدای عالم ذبح گردید و دیروز و امروز و تا ابدالاباد همان است، مکشوف شد.

۷ ــ مسیح کار خود را بعنوان واسطه با هر دو جنبه خود عملی ساخت و از هر جنبه کار مناسب با آن را انجام داد. اما چون او شخص واحدی میباشد، در کتابمقدس گاهی چیزی که به یک جنبه مربوط میگردد به جنبه دیگر نسبت داده شده است.

۸ ــ مسیح به تمام کسانی که نجات را برای آنها فراهم فرموده است یقیناً و عملاً نجات ارزانی میفرماید و برای آنها شفاعت مینماید و به آنها در کلامش و توسط کلامش اسرار نجات را آشکار میسازد و آنها را توسط روح خود عملاً ترغیب مینماید که ایمان بیاورند و اطاعت کنند و دلهای آنها را توسط کلام و روح خود اداره میفرماید و همه دشمنانشان را، بوسیله قدرت و حکمت کامل خود از طریقهائی که با روشهای عجیب و غیر قابل بررسی او هماهنگی دارد، شکست میدهد.

فصل نهم

آزادی اراده

۱ ــ خدا به انسان اراده ای عطا فرموده است که ذاتاً آزاد میباشد یعنی مجبور نیست و بطرف نیکی یا بدی تمایل اجباری ندارد.

۲ ــ انسان، در حالت بیگناهیش، آزادی کامل و قدرت ذاتی داشت که آنچه را خوب و نزد خدا پسندیده بود اراده کند و انجام دهد. ولی خدا انسان را طوری آفرید که میتوانست این آزادی را از دست بدهد.

۳ ــ انسان، بر اثر سقوط در گناه، قدرت اراده خود را در مورد یافتن برکات روحانی حاصله از نجات کاملاً از دست داد و بهمین دلیل چون انسان طبیعی با ای برکات روحانی مخالفت دارد و در گناه مرده است دیگر قادر نیست با قدرت خودش خود را عوض کند و با خود را برای عوض شدن آماده سازد.

۴ ــ وقتی خدا انسان گناهکار را عوض میکند و بحالت فیض وارد میسازد، او را از اسارت طبیعی گناه رهائی می بخشد و تنها با فیض خود قادر میسازد که آنچه را که از نظر روحانی نیکو میباشد با آزادی اراده کند و انجام دهد ولی چون هنوز فساد ذاتی در او باقی است بطور کامل تنها آنچه را که خوب است اراده نمی کند بلکه چیزهای بد را هم اراده مینماید.

۵ ــ فقط در حالت جلال است که انسان بطور کامل و پایدار تنها برای نیکو آزادی می یابد.

فصل دهم

دعوت ثمربخش

۱ ــ خدا را پسند آمد که همه آنانی را که برای حیات مقدر فرموده است، و فقط آنها را، در زمان معین و مقبول توسط کلام و روح خود بطور ثمر بخش دعوت نماید و آنها را از حالت گناه و هلاکت که طبیعتاً در آن هستند بیرون بیاورد و بحالت فیض و نجات از طریق عیسی مسیح داخل سازد در حالیکه فکرر آنها را از نظر روحانی و از طریق نجات منور میگرداند تا امور الهی را بفهمند و دل سنگی را از آنها برمیدارد و دل نرم به آنها عطا میفرماید و اراده آنها را نو میسازد و توسط قدرت مطلقش آنها را بسوی آنچه خوب است رهبری میفرماید و آنها را بطور ثمربخش بطرف عیسی مسیح جلب میکند ولی این عمل طوری انجام میشود که آنها با آزادی کامل اراده و با تمایلی که توسط فیض الهی حاصل میشود بطرف او میابند.

۲ ــ این دعوت ثمربخش فقط از فیض مجانی و مخصوص خداست و بهیچ چیزی که در انسان از قبل دیده شود مربوط نمی باشد. انسان کلاً در آن تأثیری ندارد مگر وقتی که توسط روح القدس زنده و تازه شود و قادر گردد که این دعوت را اجابت نماید و از فیض و لطف الهی که شامل حال او شده است بهره مند گردد.

۳ ــ کودکان برگزیده که در طفولیت میمیرند، بوسیله مسیح توسط روح که هر وقت و هرجا بخواهد عمل مینماید تولد تازه و نجات می یابند. همین است وضع تمام کسانیکه برگزیده هستند ولی فرصت نمی یابند بوسیله خدمت کلام علناً دعوت شوند.

۴ ــ دیگران که برگزیده نیستند با وجودی که ممکن است بوسیله خدمت کلام دعوت شوند و بعضی از تأثیرات عمومی روح را بپذیرند ولی هرگز حقیقتاً بسوی مسیح نمی آیند و بهمین دلیل نمیتوانند نجات یابند. بدیهی است که کسانی که دین مسیح را قبول نمیکنند از هیچ طریق دیگری نمیتوانند نجات یابند هرچند ممکن است بسیار بکوشند که مطابق نور طبیعی و شریعت دینی که آن را پذیرفته عمل نمایند. اعتقاد باینکه آنها میتوانند بدون مسیح نجات پیدا کنند بسیار خطرناک است و باید مردود شناخته شود.

فصل یازدهم

عادل شمرده شدن

۱ ـــ اشخاصی را که خدا بطور ثمربخش دعوت مینماید، آنها را مجاناً عادل هم میشمارد. خدا عدالت را بر آنها فرو نمی ریزد بلکه گناهانشان را می بخشد و آنها را بعنوان افراد عادل شده میپذیرد ولی این کار خدا باین علت نیست که در آنها کاری انجام شده و یا خودشان کاری انجام داده اند بلکه فقط بخاطر مسیح است. خدا ایمان یعنی عمل ایمان آوردن آنها و یا اطاعت آنها از انجیل را بمنزله عادل شدن آنها بحساب نمیاورد بلکه اطاعت و عادل شدن توسط مسیح را به حساب آنها میگذارد. آنها بوسیله ایمان، مسیح را و عدالت او را قبول میکنند در حالیکه این ایمان از خود آنها نیست بلکه بخشش خداست.

۲ ـــ ایمانی که مسیح و عدالت او را می پذیرد و به آن اعتماد میکند یگانه وسیله عادل شمرده شدن است ولی این ایمان در شخصی که عادل شمرده شده است به تنهائی وجود ندارد بلکه همیشه همراه تمام الطاف نجاتبخش الهی میباشد و این ایمان مرده نیست بلکه از طریق محبت عمل میکند.

۳ ـــ مسیح از طریق اطاعت و مرگ خود دین تمام کسانی را که بدینگونه عادل شمرده شده اند بطور کامل ادا فرمود و از طرف آنها کفاره مناسب و حقیقی و کامل براساس عدالت الهی را انجام داد. چون مسیح بخاطر آنان توسط پدر بطور داوطلبانه عطا شده بود، اطاعت و کفاره او بجای آنها قبول گردید و آنهم بطور رایگان و نه بخاطر چیزی که در آنها وجود داشت لهذا عادل شمرده شدن آنها از طریق فیض مجانی عملی میگردد تا آنکه هم عدالت کامل و هم لطف فراوان الهی در عادل شمرده شدن گناهکاران ستوده شود.

۴ ـــ خدا از ازل مقدر فرمود که همه برگزیدگان را عادل شمارد و وقتی زمان بکمال رسید مسیح در راه گناهان آنها جان داد و برای عادل شمرده شدن آنها از مرگ برخاست اما با وجود این برگزیدگان عادل شمرده نمیشوند مگر وقتی که روح القدس در زمان مناسب مسیح را در آنها عملاً فعال گرداند.

۵ ــ خدا به بخشیدن گناهان عادل شمرده شدگان ادامه میدهد و با وجودی که آنها هرگز نمی توانند از حالت عادل شمرده شدن سقوط نمایند ولی امکان دارد بعلت گناهانشان مورد نارضائی پدرانه خدا قرار گیرند و روشنائی چهره الهی دیگر بر آنها نتابد مگر وقتی که خود را فروتن سازند و گناهان خود را اقرار و آمرزش الهی را طلب کنند و ایمان و توبه خود را تجدید نمایند.

۶ ــ عادل شمرده شدن ایمانداران در عهد عتیق، از تمام جنبه های فوق الذکر، عیناً شبیه عادل شمرده شدن ایمانداران در عهد جدید بوده است.

فصل دوازدهم

فرزند خواندگی

۱ ـــ خدا بهمه کسانیکه عادل شمرده میشوند این لطف را میفرماید که بخاطر فرزند یگانه اش عیسی مسیح در فیض فرزند خواندگی سهیم شوند. آنها بدینطریق به جمع فرزندان خدا می پیوندند و از امتیازات و حقوق آنها بهره مند میگردند و اسم او بر آنها گذارده میشود و روح فرزند خواندگی را میپذیرند و دلیری می یابند که به تخت فیض نزدیک شوند و اجازه می یابند که او را پدر خطاب کنند و خدا بعنوان پدر آنها را مورد شفقت و حفاظت قرار میدهد و تأمین میکند و تنبیه مینماید ولی هرگز آنها را مردود نمیشمارد بلکه تا روز رستگاری ممهور میکند و آنها بعنوان وارثان نجات ابدی وعده ها را به ارث میبرند.

فصل سیزدهم

تقدیس

۱ ــ کسانیکه بطور ثمربخش دعوت میشوند و تولد تازه می یابند و دل تازه پیدا میکنند و روح جدیدی در آنها خلق میشود، بوسیله قدرت مرگ و قیام مسیح از طریق ساکن شدن کلام و روح او در آنها حقیقتاً و شخصاً بیشتر تقدیس میشوند و تسلط گناه بر بدن آنها از بین میرود و شهوات متعدد آن ضعیف و مقتول میشود. آنها رفته رفته در تمام فیض های نجاتبخش زنده تر و قوی تر میشوند و به قدوسیت واقعی میرسند که بدون آن هیچکس قادر نیست خدا را ببیند.

۲ ــ این قدوسیت در تمام وجود انسان پدیدار میگردد اما در این عمر کامل نیست و هنوز مقداری فساد در بدن و فکر و روح ما باقی میماند و از این جهت جنگ دائمی و جنگ آشتی ناپذیری در هر ایمانداری بوجود میاید. تمایلات جسم برخلاف روح و تمایلات روح بر خلاف جسم است.

۳ ــ در این جنگ با وجودی که فساد باقیمانده موقتاً غلبه میکند ولی بوسیله قدرت روح تقدیس کننده مسیح که پیوسته عطا میشود قسمت تازه تولد تازه یافته انسان پیروز میگردد و بدینطریق مقدسان در فیض رشد میکنند و در خدا ترسی قدوسیت خود را کامل میسازند.

فصل چهاردهم

ایمان نجات بخش

۱ ــ فیض ایمان، که بوسیله آن برگزیدگان میتوانند برای نجات جانهای خود به عیسی مسیح ایمان بیاورند، عمل روح مسیح در قلب برگزیدگان است و معمولاً بوسیله موعظه کلام خدا بوجود میاید. بعلاوه این ایمان توسط موعظه، و هم چنین از طریق دعا و اجرای آئین های مقدس، افزایش و تقویت می یابد.

۲ ــ بوسیله این ایمان، شخص مسیحی به حقانیت هرچه که در کلام خدا بعنوان حقیقت مکشوف شده است ایمان پیدا میکند و مطمئن میگردد که اقتدار الهی در آن کلام سخن میگوید. او طبق دستورات کلام خدا در قسمتهای مختلف کتابمقدس عمل میکند و از تهدیدات کلام خدا به ارزه درمیاید و وعده های الهی در مورد این جهان و جهان آینده را می پذیرد. معهذا قدمهای اصلی در مورد ایمان نجاتبخش عبارتند از قبول و پذیرفتن مسیح و توکل به او بعنوان یگانه واسطه برای عادل شمرده شدن و تقدیس و یافتن حیات ابدی در قدرت عهد فیض.

۳ ــ این ایمان دارای درجات شدت و ضعف میباشد و ممکن است بارها بطرق مختلف مورد حمله قرار گیرد و ضعیف شود ولی پیروز میگردد و در بسیاری از ایمانداران رشد میکند و توسط مسیح که پیشوا و کامل کننده ایمان ماست به اطمینان قطعی میرسد.

فصل پانزدهم

توبه حیاتبخش

۱ ــ توبه حیاتبخش ثمره پربرکت تأثیر انجیل در زندگی ایمانداران است. تمام خادمین انجیل علاوه بر موعظه در مورد ایمان به مسیح باید درباره توبه حیاتبخش نیز موعظه نمایند.

۲ ــ توسط این توبه، انسان گناهکار میتواند به گناهان خود از نظر الهی نگاه کند و به ناپاکی و کرامت آنها پی ببرد و متوجه شود که این گناهان چه خطرات عظیمی برای او دارند و کاملاً مخالف ذات مقدس و شریعت عادله الهی هستند. انسان گناهکار، با درک این حقیقت که خدا در مسیح نسبت به توبه کنندگان شفقت دارد، بعلت گناهان خود بسیار غمگین میشود و از آنها نفرت مینماید و بدینطریق تصمیم میگیرد از تمام آنها دوری جوید. سپس بسوی خدا رویاورد و کوشش مینماید طبق اوامر الهی زندگی کند.

۳ ــ با وجودی که توبه گناه را پاک نمیکند و نمیتواند باعث عفو آن گردد (زیرا بخشش گناهان لطف داوطلبانه خدا در مسیح است) معهذا توبه برای تمام گناهکاران لازم میباشد و هیچکس نمیتواند بدون آن بخشیده شود.

۴ ــ همانطوریکه هیچ گناهی وجود ندارد که بقدری کوچک باشد که باعث محکومیت نگردد بهمین طریق هیچ گناهی وجود ندارد که بقدری بزرگ باشد که بخشش آن از طریق توبه امکان پذیر نباشد.

۵ ــ ایمانداران نباید به توبه کلی اکتفا نمایند. هر ایمانداری مکلف است از یک یک گناهان خود شخصاً توبه نماید.

۶ ــ هرکس باید گناهان خود را در خلوت در حضور خدا اعتراف نماید و برای بخشیده شدن آنها دعا کند. اعتراف و دعا برای بخشیده شدن و ترک کردن گناهان بخشیده شده باعث جاری شدن رحمت الهی میگردد. همچنین شخصی که نسبت به برادر روحانی خود و یا کلیسای مسیح گناهی مرتکب شده است باید حاضر باشد و در خلوت یا بطور علنی اعتراف کند و نشان دهد که از گناهان خود ناراحت است و توبه خود را علناً به کسانیکه از گناه او صدمه دیده اند ابراز دارد و آنها هم متقابلاً باید با او آشتی کنند و او را با محبت بپذیرند.

فصل شانزدهم

کارهای نیکو

۱ ـــ کارهای نیکو فقط اعمالی است که خدا در کلام مقدس خود نیکو خوانده و انجام آنها را دستور فرموده است. سایر کارها، علیرغم حسن نیت و جدیتی که انسانها ممکن است در انجام آنها نشان دهند، کار نیکو شمرده نمیشوند.

۲ ـــ این کارهای نیکو، که بر اثر اطاعت از قوانین الهی انجام میشوند، ثمره و دلیل وجود ایمان حقیقی و زنده میباشند. ایمانداران بوسیله این کارهای نیکو مراتب شکر و سپاس خود را ابراز میدارند و اطمینان نجات خود را تقویت می بخشند. و برادران خود را بنا میکنند و باعث تزئین معترفین انجیل میگردند. کارهای نیکو باعث میگردد که ایرادهای دشمنان انجیل خنثی شود و بر اثر این کارهای نیکو خدا مورد تمجید قرار میگیرد زیرا معلوم میشود که ایمانداران مخلوق عیسی مسیح هستند و برای کارهای نیکو آفریده شده اند زیرا بطرف زندگی مقدس پیش میروند که به حیات ابدی منتهی میگردد.

۳ ـــ توانائی ایمانداران برای انجام کارهای نیکو بهیچوجه از خودشان نیست بلکه تماماً از روح مسیح است. علاوه بر نتایج مخصوص دیگری، که بر اثر عمل القدس حاصل میگردد، ایمانداران باید بوسیله روح القدس هدایت شوند تا بر حسب رضامندی خدا هم اراده و هم فعل را بعمل آورند. با وجود این نباید دچار تنبلی روحانی شوند و در مواردی که حکم بخصوصی از طرف خدا وجود دارد، در انتظار هدایت مخصوص الهی باشند بلکه باید با جدیت کارهای نیکو را در فرامین الهی جستجو کنند و با تمام قدرت بانجام آنها مبادرت ورزند و هر روز با علاقه دعا کنند تا روح القدس که در آنها سکونت دارد به آنها قدرت عطا فرماید.

۴ ـــ کسانیکه در اطاعت از خدا به عالیترین مقامی که ممکن است در این عمر حاصل شود میرسند، بهیچوجه قادر نیستند بیشتر از آنچه که خدا می طلبد و حتی همانقدر که خدا انتظار دارد انجام دهند بلکه در واقع از اجرای کامل وظایف خود قاصر هستند.

۵ ــ ما قادر نیستیم بوسیله بهترین اعمال خود برای بخشیده شدن گناهان و رسیدن به حیات ابدی شایستگی پیدا کنیم. در میان بهترین اعمال ما در این جهان و جلالی که در ما ظاهر خواهد شد تفاوت عظیمی وجود دارد و فاصله بیحدی در میان ما و خدا هست و خدا از بهترین کارهای ما نفعی نمی برد و این کارها نمیتوانند گناهان گذشته ما را کفاره نمایند. وقتی منتهای تلاش خود را بعمل میاوریم فقط به وظیفه خود عمل کرده ایم و غلامان بی منفعت هستیم. چون نیکوئی بهترین اعمال ما از روح القدس حاصل میگردد و چون این اعمال توسط ما انجام میشوند و با ناپاکی و ضعف و نقص ما آمیخته میباشند، قادر نیستند در مقابل داوری الهی بایستند.

۶ ــ معهذا چون ایمانداران توسط مسیح پذیرفته شده اند، کارهای نیکوی آنها در این جهان هم مورد قبول خدا می باشد این به آن معنی نیست که آنها از نظر الهی کامل هستند بلکه باین معنی است که وقتی خدا در فرزندش بر آنها نظر می افکند راضی میشود که آنچه را که با صمیمیت انجام شده است، هرچند آمیخته به ضعف و نقص باشد، بپذیرد.

۷ ــ اعمالی که از انسانی که تولد تازه ندارد صادر میگردد ممکن است همان کارهائی باشد که خدا فرموده است و امکان دارد این اعمال برای خودش و سایرین مفید باشد ولی چون از قلبی که بوسیله ایمان تقدیس شده باشد صادر نگشته بنابر این بطرز صحیح انجام نگرفته یعنی بر اثر اطاعت از کلام خدا عملی نگردیده و برای مقصود صحیح که جلال خدا میباشد بجا آورده نشده است و بهمین دلیل گناه آلود بوده و نمی تواند رضایت خدا را جلب کند و به ما شایستگی ببخشد که از لطف الهی بهره مند شویم. با وجود این غفلت در انجام این اعمال نیکو از نظر الهی گناه آلود و ناخوشایند تر از انجام آنهاست.

فصل هفدهم

پایداری مقدسین

۱ ــ کسانی که خدا آنها را در فرزند محبوب خود قبول کرده و توسط روحش بطور ثمربخش دعوت نموده و مقدس گردانیده است، هرگز از حالت فیض آمیز خود بطور کامل یا قطعی سقوط نخواهند کرد بلکه حتماً تا آخر عمر به زندگانی خود در این حالت ادامه خواهند داد و پایدار خواهند ماند و تا ابد از نجات برخوردار خواهند بود.

۲ ــ این پایداری مقدسین به اراده آزاد آنها متکی نیست بلکه بر اساس مشیت تغییرناپذیر الهی در مورد برگزیدگی قرار دارد که از محبت داوطلبانه و تغییر ناپذیر او سرچشمه میگیرد و بر تاثیر شایستگی و شفاعت عیسی مسیح و سکونت روح و جایگزینی تخم الهی در مقدسین و بر ماهیت عهد فیض متکی میباشد و همه اینها قطعیت و غیر قابل تغییر بودن حفاظت مقدسین را تأئید مینماید.

۳ ــ با وجود این بر اثر وسوسه های شیطان و جهان و ذات جسمانی و قدیمی مقدسین همراه با قصور در مورد وسائل پایداری، ممکن است ایمانداران مرتکب گناهان سنگین شوند و مدتی در آن وضع باقی بمانند و بدینطریق باعث ناخوشنودی خدا شوند و روح القدس او را غمگین سازند و بعضی از ثمرات لطف الهی و تسلیات او را از دست بدهند و قلبشان سخت و وجدانشان خدشه دار شود و صدمه بخورند و بدیگران صدمه وارد کنند و به تنبیهات موقتی دچار گردند.

فصل هجدهم

اطمینان در مورد فیض و نجات

۱ ــ ریاکاران و سایر افرادی که تولد تازه ندارند ممکن است خود را با امیدهای بی اساس و گستاخی های جسمانی فریب دهند و تصور کنند که رضایت خدا را حاصل کرده و از نجات الهی بهره مند هستند ولی این تصورات باطل آنها بوسیله مرگ از بین میرود. اما کسانیکه حقیقتاً به عیسی خداوند ایمان آورده اند و از صمیم قلب او را دوست دارند و سعی میکنند با وجدان پاک در حضور او زندگی نمایند می توانند در این عمر بطور قطع اطمینان پیدا کنند که از فیض الهی بهره مند میباشند. آنها میتوانند در امید جلال خدا شادمان باشند و از این امید هرگز خجل نخواهند گردید.

۲ ــ این اطمینان بر اساس امید و احتمال کاذب قرار ندارد بلکه اطمینان قطعی فیض ایمان است که بر حقیقت نور روحانی وجود دارد که بوسیله خدا عطا میگردد و این وعده های به آن مربوط میشود. هم چنین شهادت روح فرزند خواندگی وجود دارد که در روحهای ما شهادت میدهد که فرزند خدا هستیم. این روح، بیعانه میراث ما است و بوسیله او تا امروز نجات ممهور شده ایم.

۳ ــ با وجودی که در مورد این ایمان اطمینان قطعی وجود دارد ولی بصورتی نیست که ایماندار در مورد آن هرگز دچار شک و اشکال نگردد بلکه باید درباره آن صبر داشته باشد و در آن رشد کند ولی چون روح القدس به ایماندار قدرت میدهد که عطایائی را که توسط خدا مجاناً به او بخشیده شده است بشناسد، شخص ایماندار میتواند بدون اینکه به مکاشفه غیر معمولی احتیاجی داشته باشد بوسیله عمل معمولی روح القدس به اطمینان قطعی نجات برسد. بهمین دلیل هر ایمانداری وظیفه دارد که اطمینان دعوت برگزیدگی خود را ثابت نماید تا اینکه قلبش از آرامش و شادی روح القدس و از محبت و تمجید خدا و از قدرت و شادمانی حاصله از اطاعت لبریز گردد. اینها ثمرات واقعی اطمینان هستند و امکان ندارد ما را بزندگی نامنظم بکشانند.

۴ ــ این اطمینان که ایمانداران واقعی در مورد نجات خود دارند ممکن است متزلزل و ضعیف و بعلل مختلف دچار خطر گردد که از آن جمله است غفلت در حفظ آن، ارتکاب گناه بخصوصی که باعث خدشه دار شدن وجدان و غمگین ساختن روح القدس میگردد، وسوسه ناگهانی یا شدید، دور ساختن حضور الهی توسط خدا تا اینکه ایماندار به تنهائی در تاریکی قدم بزند. معهذا این ایمانداران حقیقی هیچگاه از تخم الهی و حیات ایمان و محبت مسیح و سایر ایمانداران و قلب صمیمی و وجدان مطیع محروم نخواهند بود و در زمان معین روح خدا آنها را از این وضع به تجدید اطمینان نجات رهبری و از نومیدی کامل حفظ خواهد فرمود.

فصل نوزدهم

شریعت خدا

۱ ـــ خدا به آدم شریعتی عطا فرمود که عهد اعمال نام دارد. خدا از آدم و فرزندان او خواست که این شریعت را شخصاً بطور کامل و دائم با تمام جزئیات آن اجرا کنند. خدا فرمود که اجرا کنندگان این شریعت حیات خواهند داشت و نقض کنندگان آن دچار هلاکت خواهند گردید. خدا به انسان قدرت و توانائی عطا فرمود که این شریعت را حفظ نماید.

۲ ـــ این شریعت بعد از سقوط آدم باز هم بعنوان دستور العمل کامل برای اجرای عدالت باقی ماند. بهمین منظور توسط خدا در کوه سینا بصورت ده حکم یا احکام عشره که بر دو لوح نوشته شده بود عطا گردید. در چهار حکم اول وظیفه ما نسبت به خدا و در شش حکم بعدی وظیفه ما نسبت به انسان مندرج است.

۳ ـــ علاوه بر این شریعت، که معمولاً شریعت اخلاقی نامیده میشود، خدا را پسند آمد که به بنی اسرائیل که مجمع ایمانداران قبل از مسیح بودند ببعضی قوانین تشریفاتی شامل آئین های نشانه ای عطا فرماید که بعضی از آنها مربوط به عبادت و اشاره به مسیح و لطف الهی او و اعمال و زحمات و نتایج ایمان به او میباشد. سایر احکام شامل دستورات مختلف اخلاقی است. تمام این احکام تشریفاتی بوسیله عهد جدید منسوخ گردیده است.

۴ ـــ چون بنی اسرائیل بعنوان یک قوم یک واحد سیاسی محسوب میگردید خدا به آنها احکام مختلف قضائی هم عطا فرمود. زمان اجرای این احکام با انقراض دولت اسرائیل منقضی گردید و اکنون غیر از مواردی که در قوانین کشورها مذکور میباشد، ایمانداران ملزم به اجرای آنها نیستند.

۵ ـــ معهذا شریعت اخلاقی بطور دائم توسط تمام مردم، اعم از نجات یافتگان یا سایرین، لازم الاجراست و این لازم الاجرا بودن نه فقط بعلت مفاد این شریعت اخلاقی است بلکه سبب عطا کننده آن یعنی خدای خالق میباشد. مسیح در انجیل لازم الاجرا بودن شریعت اخلاقی را بهیچوجه رد نمیکند بلکه تأئید میفرماید.

۶ ــ با وجودی که ایمانداران حقیقی بوسیله شریعت اعمال، عادل یا محکوم نمیشوند معهذا این شریعت برای آنها و سایرین فواید زیادی دارد زیرا بعنوان دستور العمل زندگی، اراده خدا را به آنها می فهماند و نشان میدهد که باید اراده او را بجا آورند. بعلاوه فساد گناه آلود ذات و قلب و زندگی مردم را روشن میسازد تا آنها بتوانند خودشان را مطابق آن شریعت تفتیش نمایند و به گناهکار بودن خود بیشتر پی ببرند و بعلت گناهان خود فروتن شوند و از گناه بیشتر نفرت نمایند. بدینطریق بیشتر متوجه میشوند که به مسیح احتیاج دارند و باید او را کاملاً اطاعت نمایند. هشدارهای موجود در شریعت علیه گناه باعث میشود که ایمانداران از پیروی امیال گناه آلود گذشته خود دوری نمایند و مجازاتهای مذکور در شریعت درباره نافرمانی از آن آنها را منوجه میسازد که این نافرمانی چه نتایج وخیمی دارد و در این جهان چه تنبیهائی در انتظار آنهاست هرچند آنها را لعنت های مذکور در شریعت آزاد شده اند. بعلاوه وعده های مذکور در شریعت نشان میدهد که خدا از اطاعت خشنود میشود و مطیعان از برکات زیادی بهره مند خواهند شد هرچند این برکات حق آنها در تحت عهد اعمال نمیباشد. وجود این حقیقت که شریعت انجام اعمال نیکو را تشویق و انجام اعمال بد را منع میکند باین معنی نیست که شخصی که اعمال نیکو انجام میدهد و از انجام کارهای بد خودداری مینماید در تحت شریعت قرار دارد نه تحت فیض.

۷ ــ هیچیک از فوائد شریعت که فوقاً ذکر شد با فیض انجیل تضاد ندارد بلکه در این مورد هماهنگی بسیار جالبی دیده میشود زیرا روح مسیح اراده انسان را تحت تسلط قرار میدهد و او را قادر میسازد که داوطلبانه و با شادی اراده خدا را، که در شریعت الهی ظاهر شده و اجرای آن بر ما واجب گردیده است، انجام دهد.

فصل بیستم

آزادی مسیحی و آزادی وجدان

۱ ــ مسیح برای ایمانداران تحت حمایت انجیل آزادیهائی بشرح زیر تأمین فرموده است: آزادی از عقوبت گناه، آزادی از غضب خدا و از لعنت شریعت اخلاقی، آزادی از دنیای شریری که در آن زندگی میکنیم، آزادی از اسارت شیطان، آزادی از تسلط گناه، آزادی از شر مصیبت ها، آزادی از نیش گناه، آزادی از پیروزی قبر، آزادی از محکومیت ابدی. در مسیح ایماندارن آزادانه به خدا دسترسی پیدا میکنند و میتوانند او را اطاعت نمایند ولی این اطاعت بصورت بنده وار نیست بلکه با محبت بیریای کودکانه و با میل و رغبت انجام میشود. ایمانداران تحت شریعت هم از تمام این آزادیها بهره مند بودند. معهذا در عهد جدید آزادی مسیحیان توسعه یافته و رهائی از آن نوع قوانین تشریفاتی را هم که کلیسای یهودیان تابع آن بود شامل میگردد. بعلاوه مسیحیان دارای جرأت بیشتری برای نزدیک شدن به تخت فیض هستند و پری روح خدا را بیشتر در ایمانداران معمولی تحت شریعت دارا میباشند.

۲ ــ فقط خدا مالک و خداوند وجدان میباشد و آنرا از پیروی عقاید و احکام انسانی که با کلام او در امور مربوط به ایمان و عبادت بنوعی متضاد و متفاوت باشد آزاد کرده است. بهمین دلیل ایمان به این عقاید با اطاعت از چنین احکام انسانی در واقع مخالف آزادی وجدان میباشد. اجبار به اطاعت بلاشرط و کورکورانه باعث خدشه دار شدن آزادی وجدان میگردد و خلاف عقل سلیم است.

۳ ــ کسانیکه به بهانه آزادی مسیحی مرتکب گناه میشوند یا افکار گناه آلود در خودشان پرورش میدهند بر خلاف هدف اصلی آزادی مسیحی عمل مینمایند زیرا ما که از دست دشمنان خود آزاد شده ایم باید در تمام ایام عمر بدون ترس و با قدوسیت و عدالت در حضور خداوند او را خدمت نمائیم.

۴ ــ چون قصد خدا این نیست که قدرتهائی که بر زمین مقرر فرموده و آزادی که مسیح تأمین کرده است یکدیگر را تباه سازند بلکه میخواهد یکدیگر را بر قرار و محفوظ دارند لذا کسانیکه بنام آزادی مسیحی با قدرتهای قانونی یا اجرای قانونی قدرت اعم از دولتی یا کلیسائی مخالفت میورزند، در واقع با خدا مخالفت مینمایند. پشتیبانی و کمک

و انجام چنین مخالفتهائی که با نور عقل طبیعی و اصول روشن مسیحی در مورد ایمان و عبادت و معاشرت مغایرت دارد و بمنزله انکار اقتدار الهی میباشد و یا به آرامش و اتحاد ایمانداران خلل وارد میسازد، باید از طریق قانون توسط کلیسا مورد بازخواست قرار گیرد.

فصل بیست و یکم

عبادت دینی و روز آرامش

نور عقل طبیعی روشن میسازد که خدائی هست که بر همه چیز فرمانروائی دارد و نیکوست و بهمه نیکی میکند و بهمین دلیل باید مورد تکریم و محبت و تمجید قرار گیرد و باید بسوی او دعا کنند و به او اعتماد نموده و او را با تمام قلب و جان و نیرو خدمت کنند. طرز صحیح عبادت خدای واقعی توسط خود خدا مقرر گردیده است. اراده مکشوف شده الهی عبادت صحیح را بقدری روشن تعریف و تشریح مینماید که لازم نیست از خیالات و اختراعات انسانی و پیشنهادات شیطانی پیروی نمائیم. نباید خدا را با هیچ شکل ظاهری و روش دیگری که در کلام مقدس او مقرر نمیباشد عبادت نمائیم.

۲ ــ عبادت دینی باید برای خدای اب و ابن و روح القدس و فقط برای این خدا انجام شود نه برای فرشتگان و مقدسین یا هر مخلوق دیگری. بعد از سقوط آدم این عبادت باید واسطه اش داشته باشد و بهیچ واسطه دیگری غیر از مسیح وجود ندارد.

۳ ــ دعای توأم با شکرگزاری قسمتی از عبادت دینی است و خدا آنرا از همه مطالبه میکند. برای اینکه دعا مستجاب گردد باید بنام عیسی و با کمک روحش و طبق اراده اش با فهم و خداترسی و فروتنی و اشتیاق و ایمان و محبت و پایداری انجام شود و هرگاه بصدای بلند گفته شود باید به زبان آشنا باشد.

۴ ــ دعا باید برای چیزهای مشروع و برای اشخاص زنده و یا کسانی باشد که متولد خواهند شد ولی نباید برای مردگان یا کسانیکه گناه منتهی بموت مرتکب شده اند دعا کرد.

۵ ــ عبادت معمولی خدا شامل این موارد است: قرائت کلام خدا با احترام و دقت، موعظه صحیح و شنیدن دقیق کلام همراه اطاعت از خدا با درک و ایمان، سرائیدن مزامیر با فیض در قلبهایمان، اجرا و دریافت صحیح آئین های

مقدس که توسط مسیح برقرار شده است. علاوه بر اینها سوگندها و نذرهای شرعی و روزه صادقانه و شکرگزاری در مواقع مخصوص هم وجود دارد که باید در عبادت در زمانهای مناسب با قدوسیت و دینداری بجا آورده شوند.

۶ ــ از نظر انجیل دعا و سایر قسمتهای عبادت دینی الزاماً نباید در محل مخصوصی انجام شود تا مقبولیت بیشتری بیابد. خدا باید در همه جا به روح و راستی بطور روزانه در خانواده ها و بطور انفرادی و در گردهمائی های محترمانه مورد پرستش قرار گیرد. از این گردهمائی ها نباید سهواً یا عمداً غفلت کرد زیرا خدا مایل است همراه سایر ایمانداران در عبادت همگانی شرکت نمائیم.

۷ ــ یکی از قوانین طبیعی زندگی دنیوی ما اینستکه یک قسمت مناسب از وقت خود را به پرستش خدا اختصاص دهیم. بعلاوه خدا در کلام خود دستور فرموده است که تمام مردم در تمام سنین یکروز از هفت روز هفته را بعنوان روز آرامش برای او مقدس نگاهدارند. از ابتدای خلقت جهان تا رستاخیز مسیح این روز آرامش آخرین روز هفته یعنی شنبه بود ولی بعد از رستاخیز مسیح این روز به روز اول هفته تبدیل شد و بنام روز خداوند معروف گردید و نگهداری آ« باید تا پایان جهان بعنوان روز آرامش مسیحی ادامه یابد.

۸ ــ روز آرامش بشرطی برای خداوند مقدس نگاهداشته خواهد شد که مردم: قلب خود را برای آن آماده سازند، در مورد کارهای روزانه خود برای آن روز ترتیبات لازم را بدهند، از اعمال و سخنان معمولی خود و از افکار مربوط به فعالیتهای دنیوی و تفریحات دوری نمایند و تمام وقت خود را صرف عبادت گروهی و شخصی کنند و به انجام تکالیف ضروری و امور خیریه بپردازند.

فصل بیست و دوم

سوگندهای شرعی و نذرها

۱ ــ سوگندهای شرعی قسمتی از عبادت دینی است که بوسیله آن در زمان مناسب شخصی که سوگند میخورد خدا را بطور جدی بشهادت می طلبد که بر آنچه میگوید یا وعده میدهد شاهد باشد و طبق صحت یا سقم این سوگند به او قضاوت کند.

۲ ــ نام خدا یگانه نامی است که انسان باید به آن سوگند یاد کند و این نام باید با ترس و احترام بر زبان رانده شود. بهمین دلیل سوگند باطل و بدون فکر و سوگند به هر نام دیگری گناه است و باید مکروه شمرده شود. چون در امور مهم سوگند خوردن در کلام خدا، هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید تجویز شده است، پس در مواردی که از نظر مقامات رسمی لازم باشد میتوان از سوگند شرعی استفاده کرد.

۳ ــ شخصی که سوگند یاد میکند باید به اهمیت این عمل مهم بطور کامل واقف باشد و بهمین دلیل نباید در مورد چیزی غیر از آنچه به حقیقت آن اطمینان کامل دارد قسم بخورد. هیچکس نباید خود را بوسیله سوگند به چیزی مقید سازد جز آنچه نیکو و عادلانه باشد و ایمان داشته باشد که درست است و آنچه که تصمیم گرفته باشد و بتواند انجام دهد. اما سرپیچی از قسم خوردن در مورد امور عادلانه در موقعی که از طرف مقامات رسمی خواسته شده باشد گناه است.

۴ ــ سوگند باید به مفهوم ساده و معمولی کلمات یاد شود بدون آنکه در آن ابهام و فریب وجود داشته باشد. سوگند نمیتواند انسان را به انجام گناه مقید گرداند ولی وقتی در مورد اموری که گناه آلود نیستند یاد شود باید حتماً انجام گردد هرچند بضرر خود شخص باشد و حتی وقتی بنفع بدعتکاران و خدانشناسان سوگند یاد شود باید به آن وفا کرد.

۵ ــ نذر کردن مثل قسم خوردن است که بوسیله آن قولی داده میشود و باید با همان دقت دینی وفا شود و با صداقت عملی گردد.

۶ ــ نذر باید فقط با خدا بسته شود نه هیچکس دیگر. برای اینکه مورد قبول باشد باید با رضایت و صمیمیت و احساس مسئولیت برای تشکر از لطفی که انجام شده و یا برای دریافت آنچه احتیاج داریم انجام شود. نذر کردن باعث میشود که تعهد جدی تری در مورد وظایف ضروری و سایر امور بپذیریم و حتی الامکان تا زمان مناسب در عملی ساختن آن بکوشیم.

۷ ــ هیچکس نباید نذر کند که چیزی را که در کلام خدا ممنوع شده است بجا آورد یا عملی انجام دهد بر خلاف وظایف مذکور در کلام خدا باشد یا انجام کاری را تعهد نماید که از طرف خدا قدرت و تصمیمی برای عملی نمودن آن ندارد. در این رابطه نذر برای رهبانیت و خودداری دائمی از ازدواج و زندگی در فقر و اطاعت دائمی باعث کمال نمیگردد بلکه در واقع جزء خرافت و دامهای گناه آلود است که هیچ مسیحی نباید در آنها گرفتار شود.

فصل بیست و سوم

مقامات دولتی

۱ ــ خدا، که خداوند مطلق و پادشاه تمام جهان میباشد، چنین مقرر فرموده است که عده ای تحت فرمانروائی او برای جلال خودش و برای سعادت همگان، دارای مقامات دولتی باشند. خدا بهمین منظور این مقامات را بقدرت شمشیر مجهز نموده است تا نیکان را محافظت و تشویق نمایند و خطاکاران را تنبیه کنند.

۲ ــ مناسب است که مسیحیان وقتی متوجه میشوند که برای پذیرفتن مسئولیتهای دولتی دعوت دارند، این دعوت را قبول نمایند. آنها در انجام وظایف دولتی خود باید بکوشند در چهارچوب قوانین مفید کشور از دین حقیقی و عدالت و آرامش حمایت کنند. و در این راه با توجه به اصول عهد جدید در موارد صحیح و ضروری میتوانند به جنگ مبادرت ننمایند.

۳ ــت مقامات دولتی نباید به تعلیم کلام خدا و اجرای آئین های مقدس و استفاده از اقتدار روحانی مبادرت ورزند و یا به انحاء دیگری در امور مربوط به ایمان مداخله کنند معهذا موظف هستند کلیسای خداوند را محافظت نمایند بدون اینکه بین فرقه هی مسیحی تبعیض قائل شوند بطوریکه تمام اعضاء و مقامات کلیسائی بتوانند وظایف خود را با آزادی کامل و بلامانع انجام دهند. چون عیسی مسیح در مورد اداره و انضباط کلیسای خود ترتیبات لازم را مقرر فرموده است، هیچ قانون دولتی نباید در اداره کلیسا برای اعضائی که با رضایت در فرقه ای عضو شده و طبق اعتقادات خود عمل میکنند وداخله نماید یا مانع و مزاحمتی بوجود آورد. وظیفه مقامات دولتی اینستکه شخصیت و نام نیک تمام مردم را حفظ کنند بطوریکه هیچکس بعلت اعتقادات یا عدم اعتقاد به عقاید دینی مورد بیحرمتی و آزار اذیت قرار نگیرد. بعلاوه مقامات دولتی موظف هستند ترتیبی بدهند که تمام مجامع دینی کلیسائی بدون مواجه شدن با مشکلی تشکیل گردد.

۴ ــ وظیفه مردم اینستکه برای مقامات دولتی دعا کنند و به آنها احترام بگذارند و مالیاتها و سایر عوارض را بپذیرند، دستورات قانونی آنها را اطاعت نمایند و بعنوان یک فرضیه وجدانی مطیع آنها باشند. بیدین بودن مقامات

دولتی یا داشتن دین متفاوت نباید باعث شود که ایمانداران و حتی روحانیون نسبت به آنها در مورد اجرای مقررات قانونی عدم اطاعت نشان دهند. بدیهی است که پاپ نسبت به مقامات دولتی و اتباع آنها در مورد امور غیر روحانی هیچگونه اقتداری ندارد. درباره کسانیکه بدعتکار خوانده میشوند یا به اشتباهات دیگری متهم میگردند، پاپ هیچ نوع اقتدار روحانی بخصوص حق ادام ندارد.

فصل بیست و چهارم

نکاح و طلاق

۱ ــ عقد نکاح باید میان یک مرد و یک زن منعقد گردد. داشتن بیش از یک زن برای مرد و بیش از یک شوهر برای زن در آن واحد برخلاف قانون است.

۲ ــ نکاح بمنظور استفاده متقابل زن و شوهر، ازیاد مشروع نسل بشر، تربیت نسل مقدس برای کلیسا و جلوگیری از فساد اخلاق مقرر شده است.

۳ ــ تمام کسانیکه دارای آمادگی فکری و عاطفی و بدنی هستند میتوانند ازدواج کنند. ولی مسیحیان موظف هستند که فقط در خداوند ازدواج نمایند. بهمین دلیل کسانیکه دارای دین اصلاح شده حقیقی میباشند نباید با گناهکاران و پیروان پاپ و بت پرستان وصلت کنند. اشخاص خداترس نباید با کسانیکه در شرارت علنی بسر میبرند یا دارای عقاید بدعتکارانه هستند از طریق ازدواج هم یوغ شوند.

۴ ــ نکاح در درجات قرابتی که در کلام خدا ممنوع شده است نباید انجام شود. این نوع نکاحها بوسیله قوانین انسانی سا با رضایت طرفین نمیتوانند مشروع گردند.

۵ ــ وقتی بعد از وعده نکاح و پیش از انعقاد عقد نکاح زنای یکی از طرفین روشن گردد، طرف بیگناه میتواند وعده نکاح را باطل سازد. در صورتی که بعد از انعقاد عقد نکاح زنا انجام شود طرف بیگناه مجاز میباشد تقاضای طلاق نماید و بعد از طلاق میتواند با شخص دیگری ازدواج کند درست مثل اینکه طرف خطا کار فوت کرده باشد.

۶ ــ ذات فاسد انسان میل دارد از جدائی بیمورد کسانیکه خدا آنها را پیوند داده است دفاع نماید ولی یگانه دلیل مجاز برای گسستن پیوند زناشوئی عبارتست از زنا یا ترک عمدی همسر که توسط کلیسا و مقامات دولتی اصلاح

پذیر نباشد. اقدامات لازم در مورد طلاق باید بطور علنی و بر اساس مقررات انجام شود و طرفین مجاز نیستند طبق تمایلات و نظرات شخصی خود عمل نمایند.

فصل بیست و پنجم

کلیسا

۱ ــ کلیسای جامع که نامرئی است شامل تمام برگزیدگان میباشد که تحت فرمانروائی مسیح یعنی رأس کلیسا متحداً جمع شده اند و یا جمع خواهند شد. کلیسا بدن مسیح و عروس او میباشد و پری خداست که همه را در همه پرمیسازد.

۲ ــ کلیسای مرئی نیز از نظر انجیل جامع یا همگانی میباشد یعنی برخلاف دوره شریعت موسی محدود به یک ملت نیست بلکه شامل تمام کسانی میباشد که در این جهان زندگی میکنند و به دین حقیقی اعتقاد دارند و هم چنین فرزندان آنها را شامل میگردد. کلیسای مرئی ملکوت عیسی مسیح خداوند و خانه و خانواده خدا میباشد که خارج از آن علی الاصول نجات وجود ندارد.

۳ ــ بمنظور جمع آوری و تکمیل مقدسین در این جهان و در جهان آینده، مسیح به این کلیسای جامع مرئی خادمین و کتابمقدس و آئین های الهی عطا فرموده است و با حضور و با روح خود کلیسا را قادر میسازد که طبق وعده الهی برای رسیدن به این هدف فعالیت نماید.

۴ ــ این کلیسای جامع گاهی بیشتر و گاهی کمتر مرئی بوده است. کلیساهای خاص هم که اجزاء کلیسای جامع هستند، با توجه باینکه در آنها تا چه حد انجیل پذیرفته و تعلیم داده میشود و آئین های اهی چگونه اجرا میگردد و عبادت عمومی چگونه انجام میشود، دارای پاکی بیشتر یا کمتری هستند.

۵ ــ پاکترین کلیساهای این جهان هم از ناپاکی و خطا مصون نمی باشند. بعضی از کلیساها بقدری تغییر ماهیت داده اند که دیگر کلیسای مسیح نیستند بلکه کنیسه شیطان محسوب میگردند. باوجود این در این جهان همیشه کلیسائی که خدا را وطابق اراده الهی او عبادت نماید وجود خواهد داشت.

۶ ــ غیر از عیسی مسیح خداوند، هیچ شخص دیگری رأس کلیسا نمی باشد و پاپ روم بهیچوجه نمیتواند رئیس کلیسا باشد بلکه دجال یا ضد مسیح و مرد گناه و فرزند هلاکت است که خود را بر ضد مسیح وو هرچه مربوط به خداست برمیافرازد.

فصل بیست و ششم

مشارکت مقدسین

۱ ــ همه مقدسین با عیسی مسیح، که رئیس آنها میباشد، بوسیله روحش از طریق ایمان متحد شده اند و با او در فیض و زحمات و مرگ و رستاخیز و جلال وی مشارکت دارند. این مقدسین با یکدیگر در محبت متحد شده و در عطایا و برکات یکدیگر نیز اشتراک دارند و بر آنها واجب است که وظایف عمومی و شخصی خود را که باعث سعادت روحانی و جسمانی همگان میگردد بانجام رسانند.

۲ ــ مقدسین، با توجه به اعتراف ایمان خودشان، موظف هستند در عبادت خدا و انجام سایر خدمات روحانی برای پیشرفت متقابل با یکدیگر اشتراک و مصاحبت داشته باشند. همچنین وظیفه دارند با توجه به امکانات و احتیاجات از نظر مالی بیکدیگر کمک کنند. این مصاحبت باید با استفاده از فرصتی که خدا عطا میفرماید شامل حال تمام کسانی گردد که در هر جا نام خداوند عیسی را میخوانند.

۳ ــ این مصاحبت و اشتراکی که مقدسین با مسیح دارند بهیچوجه آنها را در الوهیت او شریک و باوی از هیچ نظری مساوی نمیسازد و قبول هریک از این دو عقیده غلط بمنزله بیدینی و کفر است. بعلاوه این مصاحبت و اشتراکی که مقدسین با یکدیگر دارند باعث از میان رفتن و سلب حق آنها در مورد اموال و دارائی خودشان نمیگردد.

فصل بیست و هفتم

آئین های مقدس

۱ ــ آئین های مقدس نشانه ها و مهرهای عهد فیض هستند. این آئین های مقدس همزمان با این عهد الهی توسط خدا مقرر شده اند. تا نشان دهنده مسیح و برکات او باشند و مقام ما را با او و در اوتأئید نمایند و بمنزله تفاوت آشکاری باشند در میان کسانی که به کلیسا تعلق دارند با کسانی که متعلق به جهان هستند و تا ایماندران را ترغیب نمایند که خدا را در مسیح طبق کلام مقدسش صادقانه خدمت کنند.

۲ ــ در هر آئین مقدسی رابطه یا اتحاد روحانی در میان نشانه و اصل وجود دارد. بهمین دلیل نامها و اثرات نشانه و اصل به یکدیگر نسبت داده میشود.

۳ ــ فیض و برکتی که در آئین های مقدس بر اثر اجرای صحیح آنها وجود دارد از قدرت خود آنها نیست. هم چنین مفید بودن آئین مقدس بر دینداری و مقصود اجرا کننده آن متکی نمی باشد بلکه قدرت و مفید بودن آئین های مقدس ثمره کار روح القدس بوده و بر اساس کلام خدا که آنها را مقرر فرموده است قرار دارد زیرا کلام خدا این آئین ها را مقرر کرده و وعده داده است که کسانیکه این آئین ها را با شایستگی بپذیرند از ثمرات آنها بهره مند خواهند شد.

۴ ــ در انجیل فقط دو آئین مقدس توسط خداوند ما مسیح مقرر شده است که عبارتند از تعمید و شام خداوند. هیچیک از این دو آئین نباید اجرا شود مگر توسط خادمین رسمی دستگذاری شده برای موعظه کلام خدا.

۵ ــ آئین های مقدس عهد عتیق اصولاً نشان دهنده و آشکار کننده همان امور روحانی هستند که در عهد جدید هم توسط آئین های مقدس آشکار میگردد.

فصل بیست و هشتم

تعمید

۱ ــ تعمید یکی از دو آئین مقدس عهد جدید میباشد که توسط عیسی مسیح مقرر شده است. بوسیله تعمید انسان رسماً در کلیسای مرئی پذیرفته میشود. بعلاوه تعمید نشانه و مهر عهد فیض و پیوند شدن ایماندار به مسیح و تولد جدید و آمرزش گناهان و تسلیم ایماندار به خدا توسط مسیح برای زندگی در تازگی حیات میباشد. طبق دستر صریح مسیح این آئین مقدس باید در کلیسای وی تا آخر جهان اجرا گردد.

۲ ــ ماده ای که باید در این آئین مقدس مورد استفاده قرار گیرد آب است. شخص تعمید گیرنده باید توسط خادم رسمی انجیل بنام پدر و پسر و روح القدس تعمید داده شود.

۳ ــ فرو بردن در آب ضروری نیست. تعمید بوسیله ریختن یا پاشیدن آب بر روی شخص بطور صحیح انجام میشود.

۴ ــ نه فقط کسانیکه عملاً ایمان خود به مسیح و اطاعت از وی را اعلام مینمایند باید تعمید بگیرند بلکه کودکانی هم گه پدر و مادرشان یا یکی از آنها ایماندار باشد باید تعمید یابند.

۵ ــ با وجودی که حقیر شمردن آئین مقدس یا غفلت در مورد آن گناه بزرگی محسوب میگردد معهذا تعمید بطور جدا نشدنی با فیض و نجات الهی مربوط نیست. ممکن است شخصی بدون تعمید دارای نجات و تولد تازه باشد. و بر عکس تمام کسانیکه تعمید گرفته اند لزوماً تولد تازه ندارند.

۶ ــ تأثیر تعمید به آن لحظه ای که در آن انجام میشود بستگی ندارد معهذا اجرای صحیح این آئین مقدس باعث میشود که فیضی که در مورد آن وعده داده شده است در دسترس قرار گیرد و این فیض بوسیله روح القدس به تمام کسانیکه آن را یافته اند (اعم از بزرگان و کودکان) طبق وعده خدا و در زمانی که او تعیین فرموده است عملاً عطا میگردد.

۷ ــ آئین مقدس تعمید در مورد هر شخص باید فقط یکبار اجرا شود.

فصل بیست و نهم

شام خداوند

۱ ــ خداوند ما عیسی مسیح در شبی که او را تسلیم کردند آئین مقدس بدن و خون خود را که شام خداوند یا عشاء ربانی نامیده میشود برقرار فرمود تا بوسیله کلیسایش بعنوان یادآوری دائمی جانبازی و مرگ او و بمنزله تدئید فوائد این فداکاری برای ایمانداران واقعی تا پایان جهان حفظ گردد. بعلاوه نشانه ای است از تغذیه و رشد روحانی ایمانداران به مسیح و تجدید عهد آنان در مورد اجرای وظائفی که نسبت به او دارند. بالاخره تعهد ایمانداران است در مورد مصاحبت و اشتراک آنان با مسیح و با یکدیگر بعنوان اعضاء بدن سری او.

۲ ــ در این آئین مقدس، مسیح به خدای پدر تقدیم نمیگردد و بعلاوه هیچ قربانی واقعی برای آمرزش گناهان زندگان یا مردگان انجام نمیشود بلکه فقط یادآوری این حقیقت است که مسیح خودش خود را بر روی صلیب یکبار و برای همیشه قربانی فرمود و همچنین از نظر روحانی سپاس و تمجید ایمانداران برای قربانی مسیح میباشد. بنابر این، آئین باصطلاح قربانی در کلیسای کاتولیک رومی باعث توهین به یگانه قربانی مسیح است که کفاره منحصر بفرد برای گناهان برگزیدگان میباشد.

۳ ــ در اجرای آئین مقدس شام خداوند، عیسی مسیح مقرر فرموده است که خادمین او کلامی را که او در موقع برگزاری این آئین مقدس بیان داشته است به جماعت اعلام دارند و دعا کنند و نان و شراب را برکت دهند و بدین طریق آنها را بجای مصرف عادی برای استفاده مقدس جدا سازند. خادمین مسیح باید نان را بردارند و پاره کنند و پیاله را بردارند و در عین حال خودشان هم از آنها بهره مند میگردند به جماعت بدهند ولی نه به کسانی که در آن موقع در میان جماعت نیستند.

۴ ــ روشهائی که با مفهوم صحیح این آئین مقدس و فرمایشات مسیح در برقراری آن مخالفت دارند عبارتند از : شرکت در شام خداوند بطور اختصاصی و دریافت آن از خادم مسیحی یا شخص دیگری بطور خصوصی، خودداری از

دادن پیاله به جماعت، پرستش نان و شراب بوسیله بلند کردن یا گرداندن آنها برای اینکه جماعت به آنها سجده کند و نگهداری آنها بمنظور استفاده در مراسم غلط دینی.

۵ ــ نان و شراب که در این آئین مقدس مورد استفاده قرار میگیرند وقتی بطرز صحیح برای هدفی که مسیح تعیین فرموده است کنار گذاشته شوند، بقدری به مسیح مصلوب مربوط میگردند که واقعاً ولی در عین حال بمفهوم روحانی بنام آنچه مظهر آن هستند یعنی بدن و خون مسیح نامیده میشوند معهذا باز هم از نظر ذات و ماهیت مانند گذشته فقط نان و شراب هستند.

۶ ــ اعتقاد باینکه بوسیله تقدیس کشیش یا طریق دیگری ماهیت نان و شراب تغییر میکند و به بدن و خون مسیح تبدیل میشود، نه فقط مخالف کتابمقدس است بلکه با عقل سلیم نیز تضاد دارد. چنین تعلیمی ماهیت اصلی این آئین مقدس را تغییر میدهد و باعث ایجاد اعتقادات خرافاتی فراوان و بت پرستی فاحش بوده و میباشد.

۷ ــ دریافت کنندگان شایسته که نان و شراب را عملاً می پذیرند، در همان موقع واقعاً از نظر روحانی، ولی نه از نظر بدنی، توسط مسیح مصلوب تغذیه میشوند و در تمام مزایای مرگ او سهیم میگردند. در آن موقع بدن و خون مسیح از نظر جسمی در نان و شراب یا با آنها و یا زیر آنها وجود ندارد ولی از نظر روحانی واقعاً بدن و خون مسیح مانند نان و شراب در آئین مقدس شام خداوند در ایمان ایماندار حضور دارد.

۸ ــ با وجودی که اشخاص نادان و شریر ممکن است نان و شراب را دریافت دارند، ولی از مفهوم اصلی آن بهره مند نمیشوند بلکه بوسیله شرکت ناشایسته در سفره خداوند در مقابل بدن و خون او مجرم میشوند و باعث محکومیت خود میگردند. تمام اشخاص نادان و بیدین که برای بهره مند شدن از مصاحبت مسیح شایستگی ندارند برای شرکت در سفره خداوند هم شایسته نیستند و تا وقتی که در نادانی و بیدینی بسر میبرند نمی توانند و نباید اجازه داشته باشند که در سر عظیم و مقدس شام خداوند شرکت کنند زیرا علیه مسیح مرتکب گناه بزرگی میشوند.

فصل سی ام

محکومیت کلیسائی

۱ ــ عیسی خداوند بعنوان پادشاه و رأس کلیسای خود، حکومت کلیسائی را که از حکومت دولتی جدا میباشد برقرار فرموده است که توسط صاحب منصبان کلیسا اجرا میشود.

۲ ــ به این صاحب منصبان کلیسا، کلیدهای ملکوت آسمان سپرده شده است و بدینطریق قدرت می یابند که : مردم را از ناراحتی گناه آزاد سازند یا آنها را در گناه ببندند، راه ملکوت را بوسیله کلام و محکومیت بر روی کسانی که توبه نمیکنند مسدود نمایند، راه ملکوت را برای گناهکاران توبه کار از طریق موعظه انجیل و مرتفع کردن محکومیت در زمان مناسب بگشایند.

۳ ــ محکومیت کلیسائی از این نظر لازم است که برادران روحانی را که مرتکب گناهی جدی شده اند دوباره به کلیسا باز میگرداند، سایرین را از ارتکاب گناهان مشابه باز میدارد، خمیر مایه شرارت را از بین میبرد تا همه فاسد نشوند، احترام به مسیح و اعتراف انجیل را افزایش میدهد، از غضب الهی جلوگیری میکند یعنی غضبی که ممکن است ــ در صورتیکه کلیسا اجازه دهد عهد خدا و آئین های مقدس وی توسط خلافکاران علنی و خود رأی ناپاک شود ــ بر کلیسا نازل گردد.

۴ ــ بهترین راه برای عملی ساختن این هدفها اینستکه صاحب منصبان کلیسا با توجه به شدت و ضعف خلافها و جرم خلافکار اقدامات زیر را بعمل آورند : (۱) اخطار به خلافکار (۲) محروم کردن وی از شرکت در سفره خداوند برای مدتی (۳) اخراج وی از عضویت کلیسا.

فصل سی و یکم

انجمن ها و شوراها

۱ ـــ به منظور بهتر اداره کردن کلیسا و اصلاح مداوم آن باید مجامعی که معمولاً یا شورا خوانده میشود تشکیل گردد. پیشوایان کلیساهای محلی باقتضای مقامی که دارند، و با توجه به اقتداری که از مسیح یافته اند که کلیسا را بنا کنند نه اینکه خراب نمایند، باید ترتیبات تشکیل چنین مجامعی را داده و هرچند وقت یکبار که ضروری و برای پیشرفت کلیسا مفید باشد در این مجامع با یکدیگر ملاقات نمایند.

۲ ـــ وظیفه انجمن ها و شوراها در خدمات کلیسائی عبارتسا از : حل و فصل مناقشات مربوط به امور دینی و وجدانی، تصویب مقررات و آئین نامه ها بمنظور بهتر اداره شدن جلسات عبادتی کلیسائی و امور اداری کلیسا ها، استماع شکایات در مورد اشکالات اداری و حل و فصل آنها. در صورتیکه آراء انجمن ها و شوراها با کلام خدا مطابقت داشته باشند باید با احترام و اطاعت مورد قبول قرار گیرند نه فقط باین علت که با کلام خدا مطابقت دارند بلکه باین دلیل نیز که توسط مقاماتی اتخاذ شده اند که اقتدار آنها توسط خدا بر اساس کلام مقدس وی قرار دارد.

۳ ـــ از زمان رسولان مسیح ببعد، در مورد تمام انجمن ها و شوراها، اعم از همگانی و محلی، امکان اشتباه وجود دارد و بسیاری از آنها دچار اشتباه شده اند. بهمین دلیل نباید این انجمن ها و شوراها را مرجع نهائی در مورد ایمان و عمل بدانیم بلکه باید آنها را در این دو مورد جزء عوامل کمک کننده محسوب نمائیم.

۴ ـــ انجمن ها و شوراها باید فقط در مورد امور کلیسائی تصمیم گیری نمایند و نباید در امور غیر کلیسائی که بدولت مربوط میگردد دخالت کنند مگر در موارد غیر عادی طبق درخواست مقامات دولتی که در آن صورت میتوانند نظرات خود را با توجه به وجدان دینی بصورت تقاضا یا پیشنهاد به مقامات دولتی ارائه دهند.

فصل سی و دوم

وضع انسان بعد از مرگ و رستاخیز مردگان

۱ ــ بدنهای انسانها بعد از مرگ فاسد میشوند و بخاک برمیگردند ولی روحهای آنها، که نمی میرند و نمی خوابند، دارای وجودی غیرفانی هستند و فوراً بسوی خدائی که خالق آنها میباشد بازگشت مینمایند. آنگاه روحهای عادلان در قدوسیت کامل و در ملکوت اعلا پذیرفته میشوند و در آنجا صورت خدا را در نور و جلال مشاهده میکنند و در انتظار خلاصی کامل بدنهای خود بسر میبرند. روحهای شریران به جهنم افکنده شده و در آنجا در عذاب و تاریکی محض میمانند و برای روز عظیم داوری نگهداری میشوند. برای روحهائی که از بدنهای خود جدا میشوند، در کلام خدا فقط به این دو جا اشاره شده است و جای دیگری وجود ندارد.

۲ ــ کسانیکه در روز آخر زنده باشند، نخواهند مرد بلکه مبدل خواهند شد. در آن موقع تمام مردگان با همان بدنهائی که قبلاً داشتند برخواهند خاست و هرچند بدنهایشان دارای خصوصیات متفاوتی خواهند بود ولی با روحهای آنها تا ابد خواهند پیوست.

۳ ــ با قدرت مسیح، بدنهای اشخاص شریر برای بیحرمتی و ذلت برخیزانیده خواهند شد و بدنهای عادلان بوسیله روح مسیح برای عزت و حرمت خواهند برخاست تا شبیه بدن پرجلال مسیح شوند.

فصل سی و دوم

داوری نهائی

۱ ــ خدای پدر روزی را مقرر فرمده است که در آن جهانیان را بوسیله عیسی مسیح به عدالت داوری خواهد کرد که با او تمام قدرت و اقتدار داوری از طرف خدا عطا شده است. در آن روز نه فقط بر فرشتگان مرتد داوری خواهد شد بلکه تمام مردمی که در دنیا زندگی کرده اند پیش مسند مسیح حضور خواهند یافت تا حساب افکار و سخنان و اعمال خود را پس بدهند و مطابق آنچه در بدن خود انجام داده اند خواه نیک و خواه بد داوری شوند.

۲ ــ منظور خدا از تعیین این روز داوری اینستکه مجد و رحمت خود را در نجات ابدی برگزیدگان آشکار سازد، و مجد و عدالت خود را در هلاکت اشخاص مردودی که شریر و نامطیع اند ظاهر گرداند. در آن موقع عادلان به حیات ابدی داخل شده و از کمال شادی و تازگی حیات که در حضور خدا حاصل میگردد بهره مند خواهند شد. ولی شریران، که خدا را نمی شناسند و انجیل عیسی مسیح را اطاعت نمیکند، در عذاب ابدی افکنده شده و بوسیله انهدام ابدی دور از حضور خداوند و جلال و قدرت او مجازات خواهند گردید.

۳ ــ مسیح میخواهد ما کاملاً اطمینان داشته باشیم که روز داوری وجود خواهد داشت تا مانع گناه کردن مردم شود و باعث تسلی ایمانداران در زحماتشان گردد. بعلاوه مسیح ترتیبی داده است که هیچکس نداند که آن روز چه موقعی فرا خواهد رسید تا اینکه ما هیچگاه به اوضاع دنیا متکی نباشیم و چون از ساعت آمدن خداوند بی اطلاع هستیم پس باید همیشه بیدار و هوشیار و آماده باشیم و بتوانیم بگوئیم « بیا ای خداوند، بزودی بیا ». آمین.

انتشارات نور جهان